



اجتماعیات

## مقام ادب و ادبا در حیات بشر

نگارش جناب غلام جیلانی خان جلالی

فارئین محترم گمان نمیکنند که نگارنده نکاشتن مقالات علمی و ادبی نویسنده گان معروف و شمرای مشهور قرن ( ۱۸ ) انگلستان ، آلمان ، روسیه را صرف نظر نموده بدوره ( ۱۹ ) آغاز میسکند بلکه شرح حال و درجات علمی هر واحد آنها جدا گانه تدوین و درپا ورق مقاله بمطالعه تقدیم میشود درینمورد چون سلسله حیات ادبای فرانسه روی پرده است و در ادبیات مغرب هم موقعیت بسزا دارند لابد تعقیب سلسله را مناسب دیده تحت عنوان قرن ۱۹ از آنها ذکر میبرود :

قرن ۱۹ :

این قرن بمذاتی اهل مغرب مشعشع ترین دوره ترقیات ادبی اروپاست و البته پیشرفتیکه درین عصر در ادب و ادبیات بظهور پیوسته در تمام ادوار سابقه نظیر آن دیده نمی شود ، تعداد نویسندگان ، علما ، فضلا ، کاشفین ، ژنیهای این عصر باندازه تخمین میگردد که از حساب خارج است از جذبات سحرآمیز ادبیات این قرن علوم پداگوژی ، سوسیولوژی ، فیزیولوژی ، ژئولوژی ، اتولوژی ، مترو لوزی ، پسیکولوژی ، باکرو لوزی ، بیوگرافی ، گرم گرافی ، ، اتنوگرافی و دیگر علوم و فنون که ترجمه اش علوم : تربیه ، اجتماع ،

تشریح ، طبقات الارضی ، الهیات ،  
کائنات جوی ، روحیات ، جراسیم ،  
سوانح ، هیئت ، نژادشناسی ، کیمیا ، باشد  
سرچشمه و تحت عمل گرفته شد .

نشر افکار بوسیله جراید یا مخبران  
توزیع و مراکز تیلیفون و پست دولی و بین المللی  
تشکیل و بحکم دایره واحدی اداره  
گردید .

غالب قسمت نفوس کره ارض با  
اختلاف اذواق و اوطان بنهایت سادگی  
داخل مفاهمه شدند و باندازه سه ملیون  
کیلومتر خطوط تلگراف بری و بحری  
دور زمین را احاطه نمود حتی در آخر  
سخن بجائی رسید که نشر افکار بوسیله  
تی-بی در عالم پرواز کرد و بقدر سه هزار  
مراکز آن در دنیا دایر شد .



ع ، ج ویش محمد خان وزیر امور خارجه

درین مورد اگر احیاناً در بعضی خاطر ها خطور کنند که باعث و محرك این  
همه ترقیات البته مقتضیات سیاسی و نظامی است ، ما اقرار داریم بلی چنین هم خواهد بود ولی  
علتیکه این عواطف دنیای مغرب را در حرکت آورد بدو آتشها همان عاطفه خداداد بشری است که  
آنرا قبلاً بنور علم و عرفان معرفی کردیم . بلی از اینجا که نوامیس اجتماعی و عوامل تاریخی و  
روحی اقوام و افراد هر کدام برای جولان قلم ادبا میدان همواری است بناءً علیه درین عصر  
هر واحد از شعرا و ادبای غرب زمینه را در نظر گرفته در کشف اندازه آن موقعیت  
مخصوص و تاثیر عجیبی را در جامعه خود احراز نمود ، شک نیست که محبت جوامع باادبا از  
جهات مختلفه ثابت است برخی را انسجام الفاظ و تراکیب و معانی سحرآمیز شاعر و ادیب  
بمخود جذب می سازد و بعضی بیلاست و لطافت و روح دراک نویسنده علاقه دارند هکذا  
بدایع و نزاکت تشبیهات و استعارات و کنایات سبب موثرات ادبا در جامعه میگردد حصه  
از مردمان در مابین ادبا آنانرا دوست دارند که محرمات خود را زبان بی آرایش و طینت

و ملیت قرار داده برای داناندن اذعان و ثلوب با نقیبات و بیانات شیرین و دل فریب با هم درشت و هجو آمیز به نیروی يك قوه غیر مرئی که عبارة از قلم شرر بار اوست پافشاری مینمایند .

این طور ادبا در غرب هم قلیل و کم اند، دانت ، شکسپیر ، کونه ، شیلر ، هوگو ، تولستوی و امثال آنان در غرب از همین قبیل ادبا بشمار میروند که هر کدام بنوبه خود بنام خدمت جامعه از خود چنان دینها و ذخائر پر بره ای ادبی را بیادگار گذاشته اند که دست روزگار حدود از محو آثار شان کوتاه است .

همچنان نمونه از نویسنده گان معروف این عصر که علوم اجتماعی را با هم آمیخته ازان ادبیات موثر را بوجود آوردند از نقطه نظر اروپا باستیا ادیب مشهور فرانسوی و گلاستون انگلیس و بسمارك الهانی و ژولورن و اناطول فرانس و رینان روایت نویسان معروف فرانسوی است این علم برداران ادب و فلسفه چنانچه غربیونی تصور می کنند تمام قوای فاعله باشند گان بر اعظم را روی هم رفته گاه باختراعات گاه باقتصادیات ، اخلاق ، گاه بیسیاسیات بکار انداخته نه تنها خیالات نازک آنها در غرب موثر افتاد بلکه دیگر بممالک عالم را هم تحت بر تو روح ادب گذاخته مستعد ترقیات دنیوی گردانید کاشفین و مخترعینیکه از آنها درین ردیف نام برده میتوانیم کپتان کوك کاشف استرالیا و نیو زیلاند جدید و جیمز وات انگلیسی موجد راه آهن ، مارکونی اطلالی مخترع بی سیم ، ادیسون امریکائی سائنس دان مشهور کاشف فنوگراف ، بیل امریکائی موجد تلفون ، نوبل سویدی موجد دینامیت ، سر همفری دیوی مخترع چراغ محفوظ ، رافونین امریکائی مخترع سفاین بخاری ، داگتر فونی بس فرانسوی کاشف فن عکاسی ، برادران امریکائی مخترعین طیاره ، امپباشین ازین قبیل کاز برقی ، ادویه نو ، با رود یهود ، اسلمه جدید ، کاز های زهر دار ، تلگراف آبی ، توپهای بخارگ ، کشتیهای غواصه ، تار پیدو ، تلنونی بی سیم ، حنر کانال پانامه ، کانال سوئز ، هرکیل و هزاران اختراع دیگر صحنه دنیا را مملو ساخته طرز زندگی امروزه بشر موجب شکفت میگردد .

اجتای عیون غرب میگویند جنگ نشانه وحشت است ولی جنگها بیکه در سابقه پیش آهنگی و رجز سرائی و ما رشهای ادبی و خطابه ای ادبای نامدار مغرب اداره گردید و قایه ترف و ناموس چه ملت های محروم از حقوق انسانیت نه بود که باثبات نرسا نید ؟

بلی ما هم گفته میتوانیم که جنگ علامه وحشت است ولی جنگیکه دران ادب و قلم مدخلی نداشته

بر اساس يك عرض مشروع و مفاد ملی واجتماعی نباشد ، مقدمه طول کشید برویم بسر مطلب که  
اهم موفیت علمی ادب است :

## ویکتور هوگو : ۱

هوگو سومین پسر جزائی بود که کونت هوگو (۲) نام داشت ، این ادیب معروف اصلاً از نژاد  
لورن از اهالی شمال فرانسه است مادرش : سوفی تربوشه ( ۳ ) از اهالی نانت میباشد ، هوگو  
بتاریخ ۲۶ فوریه ۱۸۰۸ عیسوی در شهر بزانتون Bésanson کاین در اطراف جبال  
ژورا که در مابین فرانسه و سویس واقع است تولد یافته چنانچه خودش نیز در تالیف خود  
( او راق خزان ) بتاریخ تولد خود چنان اشاره مینماید .

هوگواز آغاز طفلی شروع به تعلیم نموده در اطالیه و اسپانیه با پدر خرد همنفر بوده است  
اگر چه پدرش میل داشت که مشارالیه مانند خودش يك فرد عسکر باشد اما هوگو که از  
دماغش آتش شوق سخن سرائی زبانه می کشید چندان بعسکرت تمکین نمی نمود .

زمانیکه ملت فرانسه میخواست قتل هوگو را کفایتی را قهرماً تسخیر کنند خانواده  
او بیاریس عودت نمود در آنجا پدرش مشارالیه را به استادی سپرد ، ازین حیات خود هوگو  
فیر در کتاب نور و سایه les rayons et les ombres ذکر کرده است .

بعد از آن در مکتب Pension cordier شامل اخذ تعلیم شد متعاقباً در مدرسه لوی ۱۴  
شامل گردید این شاگرد نیکو مضامین ، شعر و ادبیات را زیاده تر دوست میداشت  
او بااطمینان خاطر میخواست خود را هم قطار شاعران بریان بسازد اما خصایص روحی و سرنوشت  
قدرت مشارالیه را سعادت ادبیات قوم تربیه نمود .

هوگو به نیروی ذوق بلند و طبع خداداد خودش در سن ۱۵ سالگی قطعه غزلیات  
و قصاید خود را سروده به دارالفنون تقدیم و در سال ۱۸۱۷ از اکادمی جایزه را حاصل  
کرد پس از آن يك دسته قصاید دیگری تحریر نموده بنام رودها des odes نامزدش  
ساخت چون آثار او این او مقبول افتاد طوریکه شاگردان و مخالفان صمیمی برای خود پیدا  
نمود دشمنان زیاد هم برای خود تراشید ، درین اثنا بجمعی را مرکب از دوستان و شاگردان  
خوبش بنام Cerele romantique تالیس کرده خودش بر ریاست آن تعیین شد

( ۱ ) Victor Hugo. ( ۲ ) Comte Hugo. ( ۳ ) Sofie Trebuchet.

و روز نامه را با نام محفظه ادبی Conservateur littéraire انتشار داده درین روزنامه هوگو مدح خاندان شاه مذمت ادبیات جدید را بطبع میرساند چنانچه بهمین سبب لوی ۱۸ مبلغ هزار پوند سالانه برایش معاش مقرر کرد حتی مقرری او در آخرها به دو هزار پوند سالانه ترقی نمود .

در سال ۱۸۲۷ تا ۱۸۴۳ دو قوه مخالف در ادبیات فرانسه یعنی کلاسیک و رومانیک تقوّد داشت که دسته اول الذکر پابند وزن و قافیه بوده گذشتن از حدود را مخالف مسلک میدانست دسته دومی که رئیس آن شخص هوگو بود کلاسیک را مندرس تصور کرده میگفت که رعایه آن کرده نشود ، در نتیجه برخاست این دو فرقه بلند گردیده هوگو رئیس مسلک رومانیک بفرض کردن ریسه کلاسیک از ادبیات و تزیینی روح رومانیک اشعار ، ناولها ، درامه ها محروم نموده بالاخر در ۱۸۴۱ هوگو بطور کلی از حملات شعری معاصر و معاند خود وارسته اما از تشویش اداری و سیاسی هنوز فارغ نشده بود ، در همین زمان روزگار او را نگذاشت که نفسی براحات زده در حالیکه مشارالیه در عالم ادبیات افق جدیدی را روشن گردانید دخترش در معامله عروسی بدریای سن غرق شد این حادثه قلب هوگو را جریحه دار ساخته ضعیف قوا و شدت الم مدتی باو اجازه نداد که چیزی محریر کند بعد از آن این واقعه را در برجسته ترین اشعار خود که از روح داغ دار او تراوش نموده بود بنام تفکرات «Contemplatières» برشته نظم در کشید که نهایت جالب نظر و دقت است .

حیات سیاسی هوگو عبارت ازین بود که بعد از آنکه در سال ۱۸۲۷ قرآنین ادبی رومانیک را نوشت و فرانسه در انحال از حکومت شارل دینک آمده او را ملت از سلطنت مایع نمود ولوی فلپ را بیادشاهی برگزید فلپ هم اگرچه طرز دوبار خود را از رسوم شاهان سابق علحده مقرر کرد اما نتوانست که ازنی کمابیتی خود اصول جهاننداری و سیاست مداری را در فرانسه برقرار بسازد در نتیجه فلپ هم در سنه ۱۸۴۸ بمثل و اسپانیا بیکه در تاریخ فرانسه روشن است با رگلمستن فرار کرد اما بدوران لوی فلپ هوگو عزت تمام یافته در مجلس اعیان مامور بود درین وظیفه خود مشارالیه مدافع بزرگ دشمنان حکومت بوده خود را دینزگرات ، هرا خواه نظم و نسق معرفی مینمود و بمردم می فهماند که ایدال اسرا تا مین اسایش و تهیه وسایل کاسمانی خود آنهاست .

وقتا که باثر انقلاب در فرانسه سال ۱۸۴۸ جمهوریّت دوم برپا گردید و ناپلیون سوم نواسه ناپلیون اعظم بنام Prince président رئیس این دوره مقرر شد سه سال بعد سومی الیه در مردم رسوخ یافته

ریاست را برای همیشه ادا نمود بالاخر باین هم اکتفا نکرده اعلان بادشاهی نمود و خود را بنام ناپلیون ملقب ساخت هوگو درین فرصت از پاریس عزیمت نموده اولاً به بلژیک و بعد ازان بجزایر دریای مانش مربوط انگلستان شتافت زما نیکیه ناپلیون صغیر در جنگ Sedan با عا کر خود بدست المانها اسیر شد و فرانسه در نهایت بدبختی بوضعیت سیر قهقرائی تمام افتخارات خود را از دست داده بود هوگو دوباره بجهت فرانسه بر خواسته داخل پاریس و شامل مجلس ملی گردید این دفعه زیاده تر در امور فکری و روحی ملت تاثیرات عظیمی را سبب شد .

هوگو در زمان غیاب خود از وطن تمام قهر و غضب خود را یکجا نموده افکار خود را بذریعہ سه اثر خویش در سال ۱۸۵۳ با سم ( مکافات ) Chatiments و در سال ۱۸۵۹ بعنوان بریها (Cantinentales و افسانه‌های قرون les légendes des sieâcles انتشار داد .

هوگو در آخرین سلسله آثار خود تمام مسایل اجتماعی را تخریر و باثر جانشانیهای خودش افق علم و دانش فرانسه را روشن ساخته در تحت تاثیر قلم اصلاح پسند او ملت فرانسه آنچه را فائد گردیده بود واجد شد .

هوگو خائنین را خوار و ذلیل میدید و شخص متفکر از جامعه را دوست نداشت، بشر و تعاون را لازم و ملزوم میدانست ، راجع به تربیه مجرمین معتقد بود ، خلاصه هوگو از جمله همان اشخاص است که میگویند در سایه تعاون جنگ و نزاع ، ظلم و استبداد، انزجار و قهقر برطرف میشود او آینده بشر را روشن دیده در اثبات این مضمون ادله غریبی داشت هوگو میگفت :  
 وقتیکه میخواهید حیات بشر را تماشا نماید باید انسانیت را از سه جنبه ذیل ملاحظه کنید :

۱ : از پهلوی حیات و گذارن قلمبیل . انسانیت

۲ : از حیث عادات و اخلاق جامعه‌ی .

۳ : از نقطه نظر مناسبات با محیط .

هوگو راجع به شاعری گوید :

۱ : ادبیات نظر به تمام صفات با ملت دارای اثر است و شاعر و ادیب حکمران افکار

جامعه تصور می شود .

۲ : افکار شاعر باید انعکاس روح جامعه باشد .

۳ : شاعر باید عیوب جامعه را بطرز مستقیم یا غیر مستقیم اصلاح و محاسن آنرا تمجید کند .



۴ : در حالیکه شاعر از کویف شخصی بحث میراند باید طوری باشد که ازان محاسن و عیوب جامه مفهوم شود .

هوگو در آثار خود با اینکه از اجتنابیات بحث است اما با وجود آن از لطافت و دلربائی خالی نیست .

این شاعر در حالیکه پیوسته سرگرم نگارش می بود لاکن عوالم را دوست میداشت در اشعار خود اکثراً مناظر طبیعی را با سلوب خوش آیندی تصویر داده حیات دهاتیان را نهایت تعریف کرده است .

راجع بمقولاتیکه هم در خارج و ع ۱۰۱۰۱ نشان محمد گل خان وزیر داخله و رئیس مظلیمة ولایات شمالی

هم در تصور و فکر از ماده مجرد است از قبیل عالم مبداء و معاد نیز بحث ها و انده است و بخدای واحد و خالق کل شیء عقیده داشت او میگفت خوشی چراغ حیات انتهائی زندگی نیست عقاید او ازین بیت معلوم می شود:

«Oui la mort est une affreuse réalité, elle est l'ombre d'une autre vie; ne dites pas mourir dites naître.»

بلی مرگ واقعه هولناکی است ، ولی حیات دیگر میباشد ، پس آنرا مرگ نگوئید دوباره تولد شدن باید گفت هکذا هوگو معتقد بود که از بعد مرگ ، آنها تیکه مرگک تجاوزات نامشروع گردیده اند عذاب می شوند .

مطالعات فلسفی او از یک طرف دلچسب و آسان است مگر از طرف دیگر مستلزم صرف قوه عقل و فکر میباشد لاکن در همین قسمت آثار او نیز الفاظ نامانوس و مشکل وجود ندارد .

هوگو با تاثیر نوشتجات خود معتقد بوده از مولفات (برگهای خزان) و یادداشتهای روحی او معلوم می شود که مقام خود را گاه گاهی بر فراز قله بلند انسانیت دیده میخواست از آنجا آوازه خود ستائی خود را بگوش هموطنانش برساند او قلم خود را آبدار و آتش بار توصیف نموده است .

هموطنان او غالباً تصور می کنند که فضیلت فروش نه بود و خود ستائی او پیش از اندزه منزلت علمی او نیست آنها بلند پروازی او را برین حمل میکنند که چون او رئیس مسلك رومانتيك بود بناءً عليه البته برای تسکین خاطر خود و ابدال شعرای کلاسيك خود ستائی نموده است .

### آثار هوگو

انصافاً آثار و مولفات هوگو در ادبیات فرانسه فصل معتبر را کشوده عبارت ازین است :

### آثار منظوم :

الف تغزل : Odes et Ballades ( او دابلاد ) را در سنه ۱۸۲۶ و بشرقیها در ۱۸۲۹ نگاشته درین کتاب اکثریه از مناظر شرق قریب را بیان نموده است از عنوانهای برجسته این کتاب یکی جنها میباشد .

• برگهای خزان ، درین کتاب از هوالمزيبای كائنات سخن را نده ( ۱۸۳۱ )

les chants de crepuscule « ترانههای شفق » را در ۱۸۳۵ نگاشته

les voix intérieures « اوازهای درونی را در ۱۸۳۷ به دسترس خواننده گان گذاشت

les rayons et les ombres « روشنائی و تاریکی ) درین مولفه هوگو سعادت را

بروشنائی و تیره بختی را بتاریکی تشبیه داده است .

les contemplations « تفکرات » هوگو در ۱۸۵۶ تحریر گردیده

les ehâtiments « این مولفه بر علیه ناپلیون ۳ تحریر شده و دران هوگو او را گاهی

تقیر و گاهی لثیم و غیره خطاب نموده است .

هوگو تماماً هوسرا و مذمت گوی نیست بلکه آنها بکه در خور مدح و تمجید بودند

تعریف نموده چنانچه از ناپلیون کبیر و عساکر او بارها صفت کرده -



*l'annrée terrible* ( سال مخوف ) را در ۱۸۷۱ تحریر نموده و در آن شکست ۱۸۷۰ فرانسه را از المانها با منتهای سوز قید نموده است .  
*l'artd'être grandkère* ( رموز جد شدن ) درین اثر خود هوگو از فامیل و وضع گذاره اطفال خویش بحث کرده محبت فامیل و اطفال را تعریف نموده است .  
*religieux et religion* این کتاب اثر فلسفی و دران مقام نیکی را خیلی عالی و بلند گفته است .

ب : منظومه‌های هجو آمیز :

درین قسمت کتابیکه بر علیه ناپلیون ۳ در ۱۸۵۳ تحریر نمود . شهرت دارد .

ج : منظومه‌های رزمی :

درین قسمت کتاب افسانه های قرون *légendes des siècles* و يك کتاب دیگر که با تمام نرسیده تحریر نموده است .

د : تیاتر :

۱ - تیاتر هرمانی *Hernani* این اثر در ۱۸۳۰ تحریر گردیده جاری قوانین جدیدی است در ادبیات فرانسه .

۲ - *Marion de lorme* را ۱۸۳۱ و *roi s'amure* و چندین تیاتر دیگر نیز از قلم هوگو است که در اینجا بنا بر تنگی مقام ارتد کاران صرف نظر شد .  
 ه رومانها :

( بوك ژو کال ) *Bug Jugal* ، ۱۸۱۹ ، هان دی-لاند ، *Han d'Islande* در ۱۸۲۵ آخرین روز يك محکوم *Derrier jour d'ern condannie* در ۱۸۲۹ « نونزو دام دوپاری » *Notredame de Paris* در ۱۸۳۱ نیره بخنان در ۱۸۶۲ کار کنان بحر در ۱۸۶۶ « ۹۳ » *Quatre vingt treize* در ۱۸۷۴ و غیره از آثار معروف این قسمت میباشد .  
 آثار مختلفه هوگو :

« ویلم شکسپیر » *William Schakspeaire* در ۱۸۶۴ « ناپلیون صغیر » *Napoléon* در ۱۸۵۲ تاریخ کنه در ۱۸۵۲ و غیره .

## موقعیت آثار هوگو

سلسله بیانات این شاعر شیرین کلام زیباترین ثمره ذکاوت شمرده میشود .  
هوگو در ایجاز و اختصار مهارت و استادی تمامی دارد مولفات او تماماً روان و ساده  
و خوش اهنگ است اگر چندین کیفیت در تمام آثار او موجود است اما هوگو در فن  
شعری مقام بلند تری دارد .

هوگو تشبیه را بانهایت ریزه کاری بهم می‌رساند - اشعار او از حیث الفاظ بدیع و از ناحیه  
خفایق فلسفی نهایت لطیف و زیباست اکثر سخنهای او بمقام ضرب ایثیل رسیده است .

کتاب تاریخ هوگو : خیلی دقیق و واضح تخریر گردیده است هوگو از حیث تأثیرات  
خودش اولاً معلم Parnassiens پارتنا-ین‌ها (۱) و Symboliste سمبولست (۲)‌ها میباشد .  
والحاصل گلهای عقل ادیبانه هوگو در هنگام پیری اش نیز . پڑ مرده نگشته بهار طبعش تاخیر  
عمر ادب و فلسفه بار میداد .

هوگو بتاريخ ۲۲ ۰۰ ۱۸۸۵ در پاریس جهان فانی را وداع گفته باغزت تمام در آنجا  
مدفون گردید .



۱، ۲ این دو دسته شعری هستند که اکثر قوانین ادبی خود را از قواعد ادبی هوگو  
اخذ کرده اند بناءً علیه از پیروان هوگو شمرده می‌شوند  
پار ناسین ها آنها میباشند که در اشعار و آثار خویش از حالات شخصی خود حرف نمی‌زنند بلکه مقصد  
مهم آنها سبک تحریر و اهنگ کلمات است .  
سمبولیستها کسانی هستند که در اشعار خویش از حالات شخصی خود ها بیز میتوانند بحث نمایند مگر در آثار  
اینها معنی کلمات اکثراً غنی و زیان شعر اینها مستلزم جستجو و موشکافی است .